



رشیدی، احمد؛ اختیاری امیری، رضا و سیف‌الزهاده، سجاد (۱۳۹۸). تحلیل مؤلفه‌های جامعه‌پذیری سیاسی در کتاب‌های درسی دوره متوسطه (مورد پژوهی کتاب‌های جدید جامعه‌شناسی در رشته علوم انسانی). *جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، ۶(۱۴)، ۲۳۱-۲۰۷.

تحلیل مؤلفه‌های جامعه‌پذیری سیاسی در کتاب‌های درسی دوره متوسطه (مورد پژوهی کتاب‌های جدید جامعه‌شناسی در رشته علوم انسانی)

احمد رشیدی^۱، رضا اختیاری امیری^۲، سجاد سیف‌الزهاده^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۵/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۲

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی رویکرد کتاب‌های درسی مدارس نسبت به مقوله جامعه‌پذیری سیاسی است. به همین منظور کتاب‌های درسی دوره‌ی دوم متوسطه علوم انسانی به عنوان جامعه آماری و کتاب‌های جامعه‌شناسی ۲۱، بر اساس روش نمونه‌گیری مبتنی برهدف، به عنوان نمونه آماری برگزیده شد. برای سنجش مولفه‌ها از روش ویلیام اسکات استفاده شد که بر پایه آن ضریب توافق ۹۴/۳ بدست آمد. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از آمار توصیفی و استنباطی و از نرم افزار اسپاس اس استفاده گردید. در چارچوب این پژوهش، جامعه‌پذیری سیاسی از منظر آموزش مقوله‌های جمهوریت، تساهل و مدارا، مشروعیت سیاسی، هویت سیاسی، پداگوژی انتقادی، عدالت اجتماعی، ارزش‌های سیاسی انقلاب اسلامی، اقتصاد و حکمرانی خوب مورد تحلیل قرار گرفت. یافته‌ها حاکی از آن است که در کتاب‌های مورد مطالعه رویکرد غالب ترویج مولفه‌های سیاسی و ایدئولوژیک انقلاب اسلامی است که در فرایند آن مولفه‌های جمهوریت و حکمرانی خوب مورد کم‌توجهی قرار گرفته است. مولفه‌های هویت سیاسی دینی و ارزش‌های سیاسی انقلاب اسلامی مهم‌ترین مقولات مربوط به جامعه‌پذیری سیاسی در این کتاب‌ها می‌باشند که از طریق غیریت‌سازی یا معرفی و نقد ایدئولوژیک هویت‌های سیاسی غربی مورد توجه قرار گرفته‌اند. همچنین ارزش‌های سیاسی انقلاب اسلامی بیشتر از ارزش‌های اجتماعی و اقتصادی آن مورد تأکید است.

کلیدواژه‌ها: آموزش و پرورش؛ جامعه‌پذیری سیاسی؛ کتاب‌های درسی علوم اجتماعی؛ دوره‌ی متوسطه؛ تحلیل محتوا.

۱- دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول)، a.rashidi@umz.ac.ir

۲- استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه مازندران، r.ekhtiari@umz.ac.ir

۳- کارشناسی ارشد اندیشه سیاسی از دانشگاه مازندران، sajadsey@yahoo.com

۱- مقدمه و بیان مسئله

جامعه‌پذیری یا اجتماعی شدن به فرایندی اطلاق می‌شود که به موجب آن افراد ویژگی‌هایی را که شایسته عضویت آن‌ها در جامعه است کسب می‌کنند. انسان طی این فرایند با ارزش‌ها، هنجارها و بطور کلی با فرهنگ عمومی جامعه خود آشنا می‌شود و یاد می‌گیرد که چگونه می‌تواند به عنوان عضوی از جامعه پذیرفته شود. یکی از ابعاد مهم جامعه‌پذیری، جامعه‌پذیری سیاسی است که به انتقال یا آموزش هنجارها و ارزش‌های سیاسی تمرکز دارد. آموزش و پرورش از مهم‌ترین نهادهای جامعه‌پذیری در جوامع است. چگونگی عملکرد آموزش و پرورش و محتوای دروسی که در جریان جامعه‌پذیری سیاسی ارائه می‌کنند می‌تواند نقش مهمی در تربیت سیاسی دانش‌آموزان داشته باشد. در این میان، دروس علوم اجتماعی اهمیتی خطیر و تعیین‌کننده دارد. با توجه به نقش مهم آموزش و پرورش در جامعه‌پذیری دانش‌آموزان، سوال اصلی پژوهش حاضر این است که کتاب‌های درسی جامعه‌شناسی دوره متوسطه در پی القای چه ارزش‌هایی و براساس چه رویکردی به دانش‌آموزان هستند؟

در پاسخ به این سوال، فرضیه‌ای که در پژوهش حاضر مورد آزمون قرار گرفته عبارت از این است که کتاب‌های جدید جامعه‌شناسی رشته علوم انسانی در پی القای آموزه‌های سیاسی و دینی ایدئولوژیک هستند و در چارچوب رویکرد محافظه‌کارانه نسبت به القای ارزش‌هایی چون حکمرانی خوب، مردم‌سالاری، رواداری سیاسی-اجتماعی و حتی عدالت اجتماعی اهتمام کافی ندارند. برای آزمون این فرضیه، ۹ متغیر اصلی مفهوم‌بندی شده و سپس با مراجعه به محتوای این کتاب‌های درسی (شامل جامعه‌شناسی ۱ و ۲) فراوانی مولفه‌های هر کدام از آنها استخراج و مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفته است. متغیرهای اصلی عبارتند از: هویت سیاسی، ارزش‌های سیاسی انقلاب اسلامی، پداگوژی انتقادی، مشروعیت سیاسی، تساهل و مدارا، عدالت اجتماعی، حکمرانی خوب، اقتصاد و جمهوریت.

اهمیت پژوهش حاضر در این است که موفقیت و پایداری هر نظام سیاسی در سایه‌ی انتقال ارزش‌ها و هنجارهای سیاسی درست و جلب رضایت آحاد جامعه و همچنین تربیت نیروهای توانمند در بدنه‌ی نظام سیاسی است، لذا ضروری است تا عملکرد مدرسه به عنوان مهم‌ترین نهاد رسمی جامعه‌پذیری کشور، از طریق مهم‌ترین ابزار آن یعنی کتاب‌های درسی جامعه‌شناسی، مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد و نقاط ضعف و قدرت آن مشخص شود. این مهم به سیاستگذاران و برنامه‌ریزان کتب درسی کمک می‌کند تا برای جامعه‌پذیری سیاسی صحیح دانش‌آموزان، که آینده‌سازان و سکندارن آتی جامعه‌اند، برنامه‌ریزی درست و اصولی داشته باشند و با ارائه‌ی مطالب و محتواهای منطقی و علمی به توانمندسازی سیاسی افراد جامعه کمک کنند و بدین

ترتیب رابطه دو سویه نظام سیاسی و آموزش و پرورش در مسیر موفقیت افراد جامعه و نظام سیاسی قرار گیرد.

۲- پیشینه پژوهش

۲-۱- پژوهش‌های تجربی

سابقه تحلیل و بررسی محتوای کتاب‌های درسی در ایران به چند دهه اخیر بر می‌گردد. احتمالاً نخستین اثر فارسی در زمینه تحلیل محتوا نوشته نیک‌چهره محسنی است که در سال ۱۳۵۳ درباره تحلیل محتوای کتب درسی ابتدائی به عمل آمده است. محسنی ۲۴ جلد کتاب شامل کتاب‌های فارسی، علوم، ریاضی، اجتماعی، دینی و هنر پایه‌های اول تا پنجم را واکاوی نمود و محتوای هر کتاب را به دو گروه مقولات ارزشی و اطلاعاتی تقسیم کرد و زیر تقسیم‌های متنوعی شامل ذوق هنری، اخلاق، عاطفه فردی و گروهی، شناخت و دانایی، کار، تولید و سایر مفاهیم مادی و اقتصادی برای این دو گروه منظور نمود و فراوانی هر کدام را استخراج و مورد تحلیل قرار داد. از آن زمان به بعد پژوهشگران علاقه‌مند به این حوزه، در ابعاد مختلف و از زوایای گوناگون اقدام به بررسی مواد درسی جاری در نظام آموزشی کشور کرده‌اند. بسیاری از این پژوهش‌ها متمرکز بر یک عنوان درسی در یک یا چند پایه تحصیلی بوده است. تعدادی نیز به صورت جامع به تحلیل کتاب‌های یک دوره تحصیلی پرداخته‌اند. در این تحلیل‌ها بیشتر آموزش‌های اجتماعی، اخلاقی، دینی، روانشناختی، یا جنبه‌های روش‌شناختی در متون آموزشی مانند سطح خوانایی و درک مطلب و سوال‌ها یا تصاویر کتاب‌ها هدف قرار گرفته است. گاهی نیز مقایسه‌هایی بین آموزه‌های پایه‌های مختلف تحصیلی یا مقایسه دو یا چند کشور به عمل آمده است. این روند همچنان ادامه دارد و با توجه به تغییرات محتوایی کتاب‌های درسی در طی زمان یا اصلاحات متون درسی اهداف جدیدی برای تحقیق را پیش روی محققان قرار می‌دهد. تحلیل مجموعه پژوهش‌های انجام یافته در ارتباط با تحلیل محتوای کتاب‌های درسی نشان می‌دهد که بخش اعظم این پژوهش‌ها به روش‌شناسی تدوین کتاب‌های درسی و تسهیل یادگیری اختصاص داشته است. همچنین در این میان کتاب‌های دبستان بیشترین میزان توجه محققان را به خود جلب کرده و حجم عمده تحلیل‌ها به بررسی کتاب‌های این دوره متمرکز است و بعد از آن به ترتیب دوره راهنمایی و دبیرستان قرار دارند. به عبارت دیگر تحلیل محتوای کتاب‌های دوره دبیرستان (متوسطه دوم در نظام جدید) در پژوهش‌های انجام یافته کمترین فراوانی را به خود اختصاص داده است (بحرانی، ۱۳۹۶: ۲۰۶). با توجه به تنوع و تکرار این کارهای پژوهشی، جهت سهولت کار

ما تمرکز پیشینه پژوهشی خود را بر پژوهش‌های تحلیل محتوای کتاب‌های انسانی رشته‌های مختلف دبیرستان در نظام آموزشی ج. ا. ایران قرار داده که ذیلاً به معرفی و نقد تعدادی از کلیدی‌ترین آنها می‌پردازیم تا از این رهگذر خلاء پژوهش‌های انجام یافته و همچنین ابعاد نوآوری پژوهش حاضر را روشن سازیم.

پروانه و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی میزان توجه به مولفه‌های هویت انقلابی در کتاب‌های درسی تاریخ دوره متوسطه رشته‌های علوم پایه» به تحلیل محتوای این کتاب‌ها از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۸ پرداخته‌اند. مسئله اصلی مقاله مذکور پاسخ به این سوال بوده است: کتاب‌های درسی تاریخ دوره متوسطه رشته‌های علوم پایه از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۸ به چه میزان به مولفه‌های هویت انقلابی توجه داشته‌اند؟ بدین منظور با استفاده از روش تحلیل محتوا، ۹ عنوان کتاب درسی، انتخاب و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد بیشترین تکرار مربوط به مولفه ملت (با فراوانی ۳۶۰۱)، مولفه روحانیون (با فراوانی ۲۷۹۶) و مولفه انقلابیون (با فراوانی ۲۷۱۶) می‌باشد و کمترین تکرار مربوط به مولفه ولایت فقیه (۳۲) و بسیج (۴۲) می‌باشد.

ذهبیون و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل محتوای کتاب‌های درسی جامعه‌شناسی دوره دبیرستان به لحاظ توجه به مفاهیم تربیت شهروندی» به تحلیل محتوای چهار کتاب درسی علوم اجتماعی دوره متوسطه در سال تحصیلی ۹۲-۹۳ پرداخته‌اند. معیار توصیف مؤلفه‌های شهروندی شامل توجه به ارزش‌ها، مردم سالاری و هویت جهانی بوده است. یافته‌های حاصل از این پژوهش حاکی از وجود تفاوت معنادار بین میزان توجه به مؤلفه‌های شهروندی در کتاب‌های مذکور می‌باشد. میزان توجه در کتب مطالعات اجتماعی و جامعه‌شناسی (۱) بیش از حد انتظار و در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی (۲) کمتر از حد انتظار بود. به علاوه، یافته‌ها نشان داد بین پایه‌های تحصیلی از نظر میزان توجه به مؤلفه‌های شهروندی تفاوت معنادار است و همچنین کمترین اهمیت به مقوله هویت جهانی وجود دارد.

حاجیانی و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل مقایسه‌ای کتاب درسی مطالعات اجتماعی پایه هفتم دوره متوسطه اول (۱۳۹۳) و کتاب‌های درسی تعلیمات اجتماعی پایه اول راهنمایی تحصیلی سابق (۱۳۹۰) از منظر هویت ملی» نشان داده‌اند که در محتوای نوشتاری کتاب‌های درسی تعلیمات اجتماعی (تاریخ، جغرافیا و تعلیمات اجتماعی) نسبت به کتاب درسی مطالعات اجتماعی به ابعاد هفتگانه هویت ملی (شامل ابعاد اجتماعی، تاریخی، جغرافیایی، سیاسی، دینی، فرهنگی و زبانی و ادبی) توجه کمتری شده است.

هاشمی (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «تحلیل محتوای کتاب‌های درسی دوره متوسطه و پیش‌دانشگاهی رشته علوم انسانی بر اساس مولفه آموزش صلح» با هدف بررسی نقش آنها در ترویج فرهنگ صلح، بر اساس مفاهیم «ما»، «دیگری» و «رابطه ایران با سایر کشورها» به تحلیل محتوای کتاب‌های درسی دوره متوسطه رشته علوم انسانی پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که جهت‌گیری اصلی کتاب‌های درسی در ارتباط با آموزش صلح بر حفظ انسجام ملی و تمامیت ارضی کشور، شناسایی دشمن، آشنا ساختن یادگیرندگان با سیاست‌های استعماری کشورهای قدرتمند غربی، عدم توازن قدرت و مبادلات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشورها در سطح بین‌المللی و مقابله با فتنه و تهاجم دشمنان می‌باشد. به سخن دیگر، رویکرد آموزشی کتاب‌های درسی تلقین مولفه‌های صلح مسلح می‌باشد.

جمالی تازه‌کند و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «تحلیل جایگاه مؤلفه‌های تربیت شهروندی در محتوای برنامه درسی علوم اجتماعی دوره متوسطه» میزان توجه به مؤلفه‌های دانش، مهارت و نگرش‌های شهروندی در کتابهای درسی علوم اجتماعی دوره متوسطه مورد بررسی قرار داده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد از مجموع ۳۱۹۴ واحد محاسبه‌شده در محتوای کتاب‌ها تنها ۹۹ واحد به مهارت ویژه شهروندی اختصاص داشته است. در این میان به شاخص "استفاده درست از امکانات شهری" هیچ اشاره‌ای نشده است. پژوهشگران با توجه به یافته‌های پژوهش بازنگری برنامه درسی علوم اجتماعی دوره متوسطه در راستای توجه بیشتر به مؤلفه‌ها و شاخص‌های شهروندی را ضروری دانسته‌اند.

مرشدی زاد و جهاندار لاشکی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «جامعه‌پذیری سیاسی در کتاب‌های آموزشی دانش‌آموزان مقطع دبیرستان بعد از انقلاب اسلامی»، مفهوم جامعه‌پذیری سیاسی را در چهار کتاب علوم اجتماعی، تاریخ، ادبیات فارسی و دین و زندگی در سه دهه بعد از انقلاب اسلامی مورد پژوهش قرار داده‌اند. یافته‌های آنها حاکی از این است که کتاب‌های دهه ۶۰ با ۵/۳۹ درصد، بیشترین و کتاب‌های دهه ۷۰ با ۳/۲۷ درصد کمترین مقدار جامعه‌پذیری سیاسی را شامل می‌شوند؛ و کتاب‌های علوم اجتماعی با ۱۵/۹ درصد، درمقایسه با سایر کتاب‌ها بیشترین مقدار جامعه‌پذیری سیاسی را به خود اختصاص داده‌اند.

فتح‌آبادی (۱۳۹۰) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود در دانشگاه تربیت مدرس با عنوان «بررسی جامعه‌پذیری سیاسی در کتب علوم اجتماعی مقطع متوسطه ایران»، فرایند جامعه‌پذیری سیاسی را بر اساس قانون اساسی و چشم‌انداز سند بیست‌ساله بررسی نموده و معتقد است مطابقت ضعیفی بین آنها وجود دارد.

در میان مجموع پژوهش‌های انجام یافته، چنانکه قبلاً گفته شد، حجم عمده پژوهش‌ها به تحلیل محتوای کتاب‌های دبستان و در رتبه بعد راهنمایی اختصاص یافته‌اند و تنها تعداد محدودی از پژوهش‌ها به بررسی کتاب‌های دوره دبیرستان پرداخته‌اند. در این میان، پژوهش‌های معرفی شده در بالا در نگاه نخست به نظر می‌رسند که تا حدودی با چارچوب پژوهش حاضر قرابت دارند؛ یعنی به نوعی با هدف درک ماهیت مولفه‌های مورد تمرکز به تحلیل محتوای کتاب‌های درسی دوره متوسطه پرداخته‌اند. اما شباهت به همینجا متوقف است و زیر آن تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای نمود دارد؛ تفاوت‌هایی که برآمده از هدف پژوهش حاضر برای پر کردن خلاء پژوهش می‌باشد: توضیح اینکه کتاب‌های جامعه‌شناسی ۱ و ۲ که در پژوهش حاضر مورد تحلیل محتوا قرار گرفته‌اند، کتاب‌هایی هستند که اخیراً تألیف و در مدارس تدریس می‌شوند. کتاب جامعه‌شناسی ۱ از سال ۱۳۹۶ و کتاب جامعه‌شناسی ۲ از سال ۱۳۹۷ برای اولین بار در دبیرستانهای کشور تدریس می‌شوند. لذا محتوای هیچیک از این کتاب‌ها در پژوهش‌های فوق مورد تحلیل قرار نگرفته‌اند. از این زاویه پژوهش حاضر احتمالاً اولین پژوهشی است که به تحلیل محتوای کتاب‌های مذکور پرداخته است. زیرا بر اساس جستجوهای به عمل آمده تا کنون پژوهشی در این رابطه به ثبت نرسیده و منتشر نشده است. افزون بر این، مفهوم بندی مولفه‌ها و سازمان مدل تحلیلی پژوهش در قالب شاخص‌های جامع جامعه‌پذیری سیاسی نیز نسبت به کارهای قبلی تا حدود زیادی متفاوت است. با این توضیح، پژوهش حاضر از سه زاویه متضمن نوآوری است: چارچوب تحلیل، موضوع تحلیل و نهایتاً نتایج و یافته‌ها.

۲-۲- مبانی نظری پژوهش

یکی از راه‌های شناخت جامعه، مطالعه چگونگی یادگیری اجتماعی و شکل‌گیری رفتار اجتماعی انسان است که جامعه‌پذیری نام دارد. در فرایند جامعه‌پذیری شخصیت انسان‌ها تکوین می‌یابد و نقش‌های اجتماعی برحسب مقتضیات مختلف آموخته می‌شود. یکی از ابعاد مهم جامعه‌پذیری، جامعه‌پذیری سیاسی است که طی آن فرد با وظایف، حقوق و نقش‌های سیاسی خود در جامعه آشنا می‌شود و جهت‌گیری‌ها و انگاره‌های سیاسی‌اش شکل می‌گیرد. در این مفهوم جامعه‌پذیری سیاسی موضوعی مرتبط با فرهنگ سیاسی است (رنی، ۱۳۷۴: ۸۳).

در جریان جامعه‌پذیری سیاسی نهادها و ابزارهای متعددی دخالت دارند که از جمله آنها می‌توان به خانواده، مدرسه، گروه‌های همسالان، محیط کار، رسانه‌های جمعی، انجمن‌ها و نهادهای صنفی و سیاسی و نهاد دین اشاره کرد. عواملی مانند خانواده، دوستان و گروه همسالان جزء نهادهای اولیه جامعه‌پذیری سیاسی می‌باشند و وسایل ارتباط جمعی، نهادهای آموزشی،

انجمن‌ها و نهادهای صنفی و سیاسی و نهاد دین از جمله نهادهای ثانویه می‌باشند. در این میان، مدارس در شکل‌دهی به ایستارهای مربوط به قواعد نانوشته بازی سیاسی نقش مهمی دارند (ایسن^۱، ۲۰۱۰: ۱۶۱). در عین حال که نظام آموزشی اثرهای مهمی بر روند جامعه‌پذیری دارد، اما ممکن است ارزش‌هایی که مدارس و دانشگاه‌ها از آن برخوردارند نتیجه تلقین سیاسی مستقیم نباشد. همانگونه که لیپست عنوان می‌کند: تأثیر دانشگاه بر ارزشهای سیاسی پیچیده است و ممکن است محیط آن صرفاً آگاهی سیاسی را بیشتر کند، بی‌آنکه بر ایستارهای عمده سیاسی اثر بگذارد (خواجه سروی، ۱۳۹۴: ۳۷).

در پژوهش حاضر، جامعه‌پذیری سیاسی به مثابه مفهومی در نظر گرفته شده است که دربرگیرنده انتقال ارزش‌ها و هنجارها از طریق متون، شکل‌ها و تصاویری است که به نحوی دارای بار ارزشی بوده و می‌تواند حامل یک یا چند پیام سیاسی باشد. در این چارچوب، مدارس نقش مهمی در جامعه‌پذیری سیاسی بر عهده دارند؛ امری که مورد عنایت روانشناسان و متخصصان تعلیم و تربیت نظیر چارلز مریام می‌باشد. او اشاره دارد که در مدرسه به عنوان ساختار رسمی تربیتی یادگیری مدنی^۲ انجام می‌پذیرد. شهروندان در وهله نخست جامعه‌پذیری سیاسی را از نظام آموزشی کسب می‌کنند و آن از خلال کتاب‌ها و روش‌های آموزشی و یا از خلال فعالیت روزانه و یا ساختار زندگی درونی مؤسسات آموزشی صورت می‌پذیرد. همچنین، مدارس به ایجاد و شکل‌دهی به مفهوم شهروندی در میان دانش‌آموزان می‌پردازند (مریام^۳، ۱۹۳۶: ۱۴۱-۱۲۵).

مفهومی که در مباحث مربوط به آموزش و پرورش هم‌پیوند با مفهوم جامعه‌پذیری سیاسی شناخته می‌شود، مفهوم تربیت سیاسی است. تربیت سیاسی آن بعد از تربیت اجتماعی است که عمدتاً به رابطه متقابل فرد و نظام سیاسی می‌پردازد و فراگیران و نسل نو را برای نوع خاصی از زندگانی سیاسی آماده می‌سازد. با توجه به کارکردهای سیاسی تعلیم و تربیت، دیدگاه‌های متنوعی در رابطه با آن مطرح شده است که منجر به پیدایش رویکردها یا مکاتب گوناگون در حوزه تعلیم و تربیت سیاسی گردیده است. در زیر به اختصار و به تفکیک به معرفی هر یک از این رویکردها می‌پردازیم تا بدین ترتیب زمینه‌ای نظری برای پیشبرد پژوهش خود فراهم کرده باشیم.

1- Essen

2- Civil Training

3- Merriam

۲-۲-۱- رویکرد محافظه کارانه

عمده‌ترین ویژگی نظریه محافظه‌کاری^۱ در تربیت سیاسی شامل تلاش در جهت حفظ وضع سیاسی حاکم، اعمال کنترل اجتماعی و سیاسی بر نسل نو در امر انتقال فرهنگی، هدایت فکری و رفتاری افراد در قالب‌های سیاسی خاص، بازتولید فرهنگ سیاسی - اجتماعی حاکم، حفظ و تعلیم نابرابری‌های اجتماعی، تلقی نقش معلمان و فراگیران بصورت انفعالی در نظام آموزشی و تربیت سیاسی، سعی در جهت تربیت افراد مرید، هوادار و وفادار به ایدئولوژی و فرهنگ سیاسی حاکم و بهره جستن از روش‌های تحمیلی و تلقینی در تربیت سیاسی می‌باشد. از مدافعان نظریه محافظه‌کاری در تربیت سیاسی می‌توان از دورکیم، پارسونز، پترسون، سیلبرمن، هریس و استلری نام برد (فتحی و اجارگاه، ۱۳۸۶: ۱۱۲).

۲-۲-۲- رویکرد دموکراتیک

جامعه پذیری با رویکرد دموکراتیک دربرگیرنده ویژگی‌هایی همچون تکیه بر آموزش و پرورش به عنوان وسیله‌ای برای تبدیل دموکراسی به یک روش عمومی زندگانی، تلاش در جهت رشد سیاسی و نهادهای ملازم آن، تربیت شهروندانی مستقل و نقاد، تکیه بر نوعی فرهنگ‌پذیری متناسب بر فضای دموکراتیک بدون استفاده از تلاش‌های تحمیلی و تلقینی، تلاش در جهت تربیت افراد تأثیرگذار و مشارکت‌جو در حوزه مسائل سیاسی و اجتماعی، توجه به فضایل مدنی دموکراتیک همچون احترام به شخصیت فردی، تساهل، قانونگرایی، تأکید بر رشد توانایی فراگیران برای شرکت در مذاکره و گفتگوی سیاسی و انتقادی و توجه به مشارکت فعال و عقلانی دانش‌آموزان می‌باشد. جان دیوئی، که از جمله حامیان این رویکرد در آموزش و پرورش است، معتقد است اگر جامعه‌ای بخواهد شهروندانی آگاه و متعهد داشته باشد، بایستی فرزندان خود را با فرهنگ و اعمال دموکراتیک آشنا سازد تا بتوانند در میان گزینه‌های زندگی دست به انتخاب بزنند. شهروندان در یک نظام دموکراسی باید از سطح آگاهی بالایی درباره سیاست و طرز کار آن برخوردار باشند تا بتوانند به نقد واقعیت‌ها بپردازند، بر تصمیمات دولت تأثیر بگذارند و نقش فعالی در مسائل سیاسی جامعه ایفا کنند (پگلیان^۲، ۲۰۱۸، ۶۵-۲۳).

۲-۲-۳- رویکرد انتقادی

نظریه انتقادی یک سنت دیرینه است که نقدوضع موجود را به عنوان یک روش بررسی و پژوهش

1- Conservative theory

2- Paglayan, Agustina S.

می‌نگرد. بی تردید یکی از مهم‌ترین و پرفرازو فرودترین جنبش‌های نظریه پردازی در عرصه برنامه درسی مجموعه تلاشهایی است که توسط اندیشمندان حوزه پداگوژی انتقادی با تاثیر پذیری از اندیشه مارکسیست‌ها و بویژه مکتب فرانکفورت در تضاد با جامعه سرمایه داری غربی به منصفه ظهور رسیده است. پداگوژی انتقادی رویکردی برای فهم و نقد روابط مدرسه و جامعه از چشم انداز روابط اجتماعی موجود در تولید و در قالب نظام سرمایه‌داری می‌باشد. همچنین، رویکردی عملی نسبت به تدریس، یادگیری و پژوهش است که از طریق گفتگوی انتقادی و تجزیه و تحلیل دیالکتیکی تجربه روزمره در آموزش را مورد تاکید قرار می‌دهد. به طور خلاصه، تعلیم و تربیت انتقادی به تدریس با عمل انتقادی توجه دارد. رویکرد آن دموکراتیک و هدفش ایجاد و برقراری برابری و عدالت اجتماعی و اقتصادی برای تمام گروه‌های قومی یا نژادی است. مریدان انتقادی از اینکه شرایط ناعادلانه‌ی آموزشی گروه‌های محروم و اقلیت‌ها و سایر افراد به حاشیه رانده شده را در برگرفته، بسیار خشمگین هستند (فتیحی و اجارگاه، ۱۳۸۶: ۹۳-۹۲). اگر چه تمام این افراد موافقند که تحقق برابری و شادی اجتماعی به تلاش‌های بسیار عظیم نیاز دارد، اما در عین حال بر این نکته نیز متعهدند که تحول در تعلیم و تربیت باید فرایندی تدریجی و نه انقلابی داشته باشد. محققانی که در این عرصه فعالیت می‌کنند در پی درگیر شدن و ایفای نقش فعال در ارتقای تغییر اجتماعی در درون نظام آموزشی و خود فرهنگ و تربیت شهروندانی توانا و فعال می‌باشند تا بتوانند شرایط را به نفع یک جامعه عادلانه تغییر دهند (باربلز و برک^۱، ۱۹۹۹: ۱۹-۷).

۲-۲-۴- رویکرد انقلابی

وجه مشترک نظریه‌های این رویکرد گرایش آنها به اصلاحات انتقادی- انقلابی است که در شرایط مختلف ظهور کرده‌اند. ایوان ایلچ و پائولو فریره معروفترین نظریه پردازان این گروه می‌باشند. پائولو فریره نظام آموزشی را در خدمت فرهنگ سکوت، که به زعم وی ویژگی خاص طبقه تحت سلطه بود، می‌دانست و معتقد بود که بایستی به افزایش آگاهی افراد نسبت به مسایل پیرامون خود پرداخته و آنها را از موجوداتی منفعل به انسان‌هایی فعال و اندیشمند تبدیل کرد. این امر زمانی محقق خواهد شد که آنها بتوانند به گونه‌ای آزاد و رها از مصادیق سلطه فکرکنند. متفکر دیگر ایوان ایلچ اتریشی است که مهم‌ترین اثرش کتاب مدرسه زدایی است. ایده‌ی اصلی ایلچ این بود که مؤسساتی که ویژگی اصلی ساختار اجتماعی را تشکیل می‌دهند در اصل خود عامل تحریف و حتی نابودی اهداف یا نهادهایی هستند که خود به خاطر آنها به

وجود آمده اند (شارع پور، ۱۳۸۳: ۶۴). بنابراین او معتقد بود که مدارس با ساختار و عملکرد موجودشان نقشی جز نهادینه کردن نابرابری‌های اجتماعی ندارند. تحقیق حاضر بدون اتکا به نظریه‌ای خاص در پی آن است که رویکرد غالب در جریان تألیف کتاب‌های جامعه‌شناسی در راستای جامعه‌پذیری سیاسی را مشخص نماید.

۳- روش پژوهش

ابعاد تحلیل محتوای کتاب‌های درسی را در دو بعد درونی و بیرونی می‌توان مورد بررسی قرار داد. در بعد درونی، کتاب درسی به عنوان یک بسته آموزشی کامل و مستقل در نظر گرفته می‌شود که طی آن دو جنبه اصلی کتاب، یعنی جنبه ظاهری و جنبه محتوایی یا علمی آن مورد تحلیل قرار می‌گیرد. از جنبه ظاهری، اجزای کتاب مانند جلد، صفحات، تصاویر، متن و...، شامل تناسب حجم کتاب با ویژگی‌های فراگیران، استحکام جلد، تناسب متن و تصاویر، اندازه کتاب، نوشته‌ها و تصاویر، و تناسب آنها با سن فراگیران مورد مطالعه قرار می‌گیرد. بخش محتوایی به عنوان اصلی‌ترین جنبه در تحلیل محتوای کتاب درسی است و بیشترین مطالعات انجام شده در زمینه تحلیل محتوای کتاب درسی نیز مربوط به این بخش می‌باشد. منظور از بعد بیرونی کتاب در تحلیل کتاب‌های درسی توجه به سایر متغیرهای خارج از کتاب درسی می‌باشد. در این بعد، ویژگی و کارکرد کتاب درسی بر اساس تحلیل رابطه آن با متغیرهای بیرونی مطالعه می‌شود. این رابطه به دو سطح افقی و عمودی یا عرضی و طولی تفکیک می‌شود. ارتباط عرضی کتاب درسی هر پایه را می‌توان در ارتباط با سایر کتاب‌های درسی همان پایه مورد مطالعه قرار داد. به عبارت دیگر مجموعه کتاب‌های درسی یک پایه تحصیلی مجموعاً هدف‌های آموزشی معینی را دنبال می‌کنند که تحقق این هدف کلی نه تنها مستلزم تحقق هدف‌های هر یک از کتاب‌های درسی به صورت جداگانه می‌باشد، بلکه همچنین به میزان برقراری ارتباط اثربخش بین کتاب‌های درسی مختلف نیز وابسته است. ارتباط طولی شامل ارتباط یک کتاب درسی با کتاب‌های درسی دیگر در پایه‌های بعد یا قبل می‌باشد (نیک نفس و علی آبادی، ۱۳۹۲: ۱۳۵-۱۳۴). در این میان، پژوهش حاضر بر تحلیل بعد درونی محتوای کتاب‌های درسی متمرکز است که در فرآیند آن افزون بر محتوای آشکار، ایده‌های اصلی و مرکزی که در متن یافت می‌شود نیز به عنوان اساس محتوا مورد استنباط قرار گرفته است.

جامعه آماری پژوهش کتاب‌های درسی دوره‌ی متوسطه‌ی دوم است که در سال تحصیلی ۹۶-۹۷ در پایه‌های دهم، یازدهم و پیش‌دانشگاهی تدریس می‌شود و توسط سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و دفاتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه‌ی نظری نوشته

و چاپ شده است. نمونه آماری در پژوهش حاضر عبارت از کتاب‌های جامعه‌شناسی ۱ و ۲ رشته ادبیات و علوم انسانی^۱ متوسطه‌ی دوم است که از طریق نمونه‌گیری مبتنی بر هدف یا نمونه‌گیری نظری انتخاب شده است. در این نوع نمونه‌گیری «نمونه تدریجی و در فرآیند شکل می‌گیرد و معیار انتخاب نمونه‌ها نیازهای تحلیلی یا نظری محقق است» (ذکایی، ۱۳۸۱: ۴۱). محقق در این روش نمونه‌گیری «به طور همزمان داده‌هایش را گردآوری، کدگذاری و تحلیل می‌کند و تصمیم می‌گیرد که چه داده‌هایی را در مرحله بعد گردآوری نماید و آنها را در کجا پیدا کند (فیلیک، ۱۳۸۷: ۸۷). علت انتخاب کتاب‌های جامعه‌شناسی دوره‌ی متوسطه دوم به عنوان جامعه نمونه مبتنی بر هدف تحقیق حاضر نیز توقع طرح مولفه‌های جامعه‌پذیری سیاسی در آنهاست. زیرا با توجه به اهداف آموزشی این کتاب‌ها، انتظار می‌رود مقوله جامعه‌پذیری و بویژه جامعه‌پذیری سیاسی در آنها بیشتر از کتاب‌های دیگر مورد عنایت قرار گیرد. با توجه به اینکه در این پژوهش با نقد متن سروکار داریم، برای بررسی متن هیچ شاخص خاصی از بیرون متن (براساس نظریه) در تحلیل محتوا در نظر گرفته نشده و تنها به منظور ایجاد حساسیت نظری، به مطالعه ادبیات نظری مربوطه پرداخته شده و در فرآیند پژوهش بدون استفاده از نظریه‌ای خاص به متن مراجعه شده است.

همچنین به منظور جمع‌آوری پیشینه و نگارش مبانی نظری پژوهش از روش کتابخانه‌ای-اسنادی استفاده شده است. در این مرحله با مطالعه منابع شامل کتاب‌ها، مقاله‌ها و پایان‌نامه‌ها و رجوع به منابع اینترنتی، مبانی نظری تحقیق و متغیرهای آن بصورت علمی مورد پژوهش قرار گرفته است. بعد از تحلیل محتوای کتاب‌ها، به مقایسه نتایج با نظریه‌های مختلف جامعه‌پذیری سیاسی پرداخته شده و از این رهگذر تلاش کردیم تا رویکرد نظری حاکم بر جریان جامعه‌پذیری سیاسی در کتاب‌های درسی جامعه‌شناسی دوره‌ی دوم متوسطه را مشخص کنیم. در این پژوهش ابتدا مولفه‌های جامعه‌پذیری سیاسی با روش تحلیل نظری احصاء و سپس در قالب سوالات و فرضیه‌های تحقیق قرار گرفته است. همچنین مولفه‌های مرتبط با هر یک از آنها به روش ویلیام اسکات، به عنوان زیر مجموعه‌های هر مولفه، با آنها تلفیق شد.

در این فرایند، پس از شناسایی متغیرهای مرتبط با فرضیه‌ها و سوالات تحقیق، مضامین موجود در متن کتاب‌های جامعه‌شناسی ۱ و ۲ که مرتبط با متغیرهای شناسایی شده بودند کد گذاری و مورد شمارش قرار گرفتند. بر این اساس و با توجه به گستردگی و شمول محتوایی گسترده و کامل فرضیه‌ها، هیچ مفهوم، متن، عکس و یا پیامی با بار جامعه‌پذیری سیاسی از قلم

۱- اخیراً بخشهای عمده (۱۰ درس از ۱۴ درس) کتاب جامعه‌شناسی ۱ بصورت کتابی مستقل با عنوان هویت اجتماعی در قالب یک درس عمومی برای سایر رشته‌های دوره متوسطه نیز ارائه و تدریس می‌گردد.

نیفتاده است و همه آنچه نویسنده کتاب به صورت صریح یا ضمنی مورد عنایت قرار داده، به نحوی در یکی از متغیرها مورد سنجش قرار گرفته است. از آنجایی که نمونه آماری واحدی مشخص از جامعه آماری است همه آنچه در آن می‌تواند ابزار جامعه‌پذیری سیاسی باشد مورد سنجش واقع شده است. همچنین برای حصول اطمینان از روایی صوری و محتوایی از نظر متخصصان استفاده شده است. به این ترتیب که فرم اولیه تحلیل محتوا که شامل کلیه مولفه‌های جامعه‌پذیری سیاسی است، در اختیار هفت نفر از صاحب نظران در حوزه‌های جامعه‌شناسی و علوم سیاسی برای تغییر و اصلاح قرار گرفت که پس از اعمال نظر آن‌ها سببیه تحلیل محتوا با هفتادوشش مولفه تهیه گردید. به منظور حصول اطمینان از وجود پایایی از روش ویلیام اسکات استفاده گردید و ضریب توافق آن‌ها بر اساس فرمول زیر بدست آمد. براساس فرمول اسکات ضریب توافق بین صاحب نظران پیرامون فرم تحلیل ۹۴/۳ شد که ضریب توافق بالا و قابل ملاحظه‌ای است.

$$C.R = \frac{\text{کل مقوله های مورد توافق}}{\text{کل مقوله ها}} \times 100$$

$$C.R = \frac{75+72+70+74+72+71+68}{7 \times 76} \times 100 = 94/3$$

در این پژوهش ابتدا مولفه‌های جامعه‌پذیری سیاسی با روش تحلیل اسنادی، احصاء و سپس در قالب سوالات و فرضیه‌های تحقیق قرار گرفته و سپس مولفه‌های مرتبط با هر یک از آن‌ها که در مجموع هفتاد و شش مولفه بود مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. پردازش و تجزیه و تحلیل داده‌ها به وسیله کامپیوتر و با کمک نرم‌افزار اسپس^۱ در دو بخش صورت گرفت: بخش اول شامل آمار توصیفی است که طی آن به توصیف مفاهیم و ابعاد آن از طریق نمودارها و جداول یافته‌های تحقیق پرداخته شد؛ و بخش دوم آمار استنباطی است که شامل بررسی فرضیات تحقیق با کمک آزمون آماری خی دو می‌باشد.

۴- یافته‌های پژوهش

برای تحلیل رویکرد کتاب‌های درسی جامعه‌شناسی در ارتباط با مقوله جامعه‌پذیری سیاسی، با روشی که قبلاً گفته شد، تعدادی متغیر اصلی همراه با مفاهیم زیر مجموعه آنها مورد شناسایی قرار گرفت. متغیرهای اصلی که چارچوب یا نقشه راه کار تحلیل محتوای ما از کتاب‌های درسی جامعه‌شناسی را تشکیل می‌دهند عبارتند از: هویت سیاسی، پداگوژی انتقادی، ارزش‌های سیاسی انقلاب اسلامی، مشروعیت سیاسی، تساهل و مدارا، عدالت اجتماعی، حکمرانی خوب، اقتصاد و جمهوری‌ت.

مطابق با داده‌های جدول ۱، در کتاب‌های درسی جامعه‌شناسی متوسطه‌ی دوم در ارتباط با مقوله جامعه‌پذیری سیاسی، از مجموع ۱۰۱۸ مورد شمارش شده، مفاهیم هویت سیاسی با فراوانی ۳۷۶ (با ۳۷ درصد)، پدآگوژی انتقادی با فراوانی ۲۱۲ (با ۲۰/۸ درصد)، ارزشهای سیاسی انقلاب اسلامی با فراوانی ۱۹۵ (با ۱۸/۳ درصد)، مشروعیت سیاسی با فراوانی ۷۶ (با ۷/۵ درصد)، تساهل و مدارا با فراوانی ۵۰ (با ۵ درصد)، عدالت اجتماعی با فراوانی ۳۶ (با ۳/۵ درصد) حکمرانی خوب با فراوانی ۳۵ (۳/۴ درصد)، اقتصاد با فراوانی ۳۱ (۳ درصد) و جمهوریت تنها با ۷ فراوانی (۰/۷ درصد) مورد اشاره صریح یا مضمونی قرار گرفته‌اند. نگاهی دقیق به نتایج بدست آمده، با توجه به مولفه‌های وابسته به هرکدام از مفاهیم یا متغیرهای اصلی که در قالب جداول زیر مورد تحلیل قرار گرفته‌اند، نشان می‌دهد کتابهای درسی جامعه‌شناسی کاملاً با رویکرد ایدئولوژیک و محافظه‌کارانه تهیه و تدوین شده‌اند. اینک به تحلیل داده‌های بدست آمده در ارتباط با هریک از متغیرها می‌پردازیم:

جدول ۱: توزیع فراوانی متغیرها و مفاهیم استخراج شده از متون

ردیف	متغیرهای اصلی	فراوانی	درصد
۱	هویت سیاسی	۳۷۶	۳۷
۲	پدآگوژی انتقادی	۲۱۲	۲۰/۸
۳	ارزشهای سیاسی انقلاب اسلامی	۱۹۵	۱۹/۱
۴	مشروعیت سیاسی	۷۶	۷/۳
۵	تساهل ومدارا	۵۰	۵
۶	عدالت اجتماعی	۳۶	۳/۵
۷	حکمرانی خوب	۳۵	۳/۴
۸	اقتصاد	۳۱	۳
۹	جمهوریت	۷	۰/۷
	جمع کل	۱۰۱۸	۱۰۰

۴-۱- هویت سیاسی

جدول ۲ نشان می‌دهد هویت سیاسی با اختصاص بالاترین فراوانی (۳۷ درصد)، مهم‌ترین حوزه مورد توجه مؤلفان کتاب‌های جامعه‌شناسی در ارتباط با مقوله جامعه‌پذیری سیاسی می‌باشد. این متغیر با مولفه‌های وابسته، شامل تفاوت‌های هویتی، سازگاری و ناسازگاری هویت‌ها، هویت غربی، هویت دینی، هویت قومی، خاص‌گرایی هویتی در عصر جهانی شدن، هویت ملی، هویت

اساطیری، هویت دینی- ملی و خودباختگی فرهنگی، کدگذاری و تحلیل شد. مفاهیم هویت غربی با ۴۸/۵ درصد، هویت دینی (با ۲۹ درصد)، خودباختگی فرهنگی (با ۱۱/۵ درصد) و هویت ملی (با ۲/۵ درصد) بیشترین مفاهیم استخراج شده در رابطه با متغیر هویت سیاسی می باشند. تحلیل مولفه‌های وابسته به این متغیر گویای آن است که رویکرد مولفان به هویت سیاسی معرفی و القای هویت مبتنی بر دین است که از طریق دیگری سازی سایر هویت‌ها انجام شده است؛ در این میان معرفی و نقد هویت غربی به عنوان دیگری هویت اسلامی بیشترین فراوانی (۴۸/۵ درصد) را دارد که در چارچوب ساختار این پژوهش بسیار معنادار است. اگر فراوانی مولفه معرفی و تلقین هویت دینی (۲۹ درصد) و فراوانی مولفه خودباختگی فرهنگی (۱۱/۵ درصد) را به فراوانی معرفی و نقد هویت غربی اضافه کنیم به این نتیجه می‌رسیم که در مجموع ۸۹ درصد از توزیع فراوانی مولفه‌های هویت سیاسی به القای هویت سیاسی دینی اختصاص دارد که در فرهنگ سیاسی به آن هویت ایدئولوژیک دینی اطلاق می‌شود. این امر زمانی بطور روشن‌تر درک می‌شود که در نظر آوریم توزیع فراوانی سایر هویت‌ها (شامل هویت ملی، هویت قومی، هویت دینی- ملی) در مجموع ۷/۵ درصد می‌باشد.

جدول ۲: توزیع فراوانی متغیر هویت سیاسی و مولفه‌های آن

ردیف	مؤلفه‌ها	فراوانی	درصد
۱	هویت غربی	۱۸۲	۴۸/۵
۲	هویت دینی	۱۰۹	۲۹
۳	خودباختگی فرهنگی	۴۳	۱۱/۵
۴	هویت ملی	۹	۲/۵
۵	هویت اساطیری	۸	۲
۶	تفاوت‌های هویتی	۸	۲
۷	هویت قومی	۸	۲
۸	هویت دینی- ملی	۶	۱/۵
۹	سازگاری و ناسازگاری هویت‌ها	۳	۱
	جمع	۳۷۶	۱۰۰

۲-۴- پداگوژی انتقادی

پداگوژی انتقادی، با ۲۱۲ مورد (نزدیک به ۲۱ درصد)، دومین میزان فراوانی را در کتاب‌های درسی جامعه‌شناسی در ارتباط با مقوله جامعه پذیری سیاسی داراست. این متغیر با مولفه‌های سه‌گانه ی نظام سلطه، مقاومت در برابر نظام سلطه، و نقد فرهنگ عامه در رابطه با سلطه و

مقاومت مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. جدول ۳ نشان می‌دهد مولفه نظام سلطه ۷۸/۸ درصد، مولفه مقاومت در برابر نظام سلطه ۱۸/۸ درصد، و مولفه نقد فرهنگ عامه ۲/۴ درصد از مجموع فراوانی این متغیر را به خود اختصاص داده‌اند. این یافته‌ها گویای آن است که هژمونی نظام سرمایه‌داری در جهان معاصر، با نگرش منفی و انتقادی مورد توجه مولفان کتاب‌های جامعه‌شناسی ۲۰۱، قرار گرفته است. بر این اساس می‌توان استدلال کرد که کتاب‌های مذکور تحت تأثیر اندیشه‌های چپ‌گرایانه مخالف نظام سرمایه‌داری تدوین شده است؛ هر چند در پنج مورد از مجموع ۲۱۲ فراوانی، نظام‌های سیاسی چپ و اندیشه‌های آن‌ها نیز تخطئه شده‌اند. نکته قابل توجه اینکه اندیشه‌های رهایی‌بخشی گفتمان انتقادی در بعد فکری- فلسفی و همچنین سویه‌های دموکراتیک اندیشه‌های آنها در این کتاب‌ها انعکاس نیافته است.

جدول ۳: توزیع فراوانی متغیر پداگوژی انتقادی و مولفه‌های آن

مؤلفه‌ها	نظام سلطه	مقاومت در برابر نظام سلطه	نقد فرهنگ عامه	جمع
فراوانی	۱۶۷	۴۰	۵	۲۱۲
درصد	۷۸/۸	۱۸/۸	۲/۴	۱۰۰

۴-۳- ارزش‌های سیاسی انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی و ارزش‌های سیاسی آن، سومین عرصه مهم مورد توجه مؤلفان کتاب‌های جامعه‌شناسی در ارتباط با مقوله جامعه‌پذیری سیاسی است. این متغیر با مولفه‌هایی چون انقلاب اسلامی، استقلال و امنیت، آزادی، جمهوری اسلامی (حکومت اسلامی)، ولایت‌پذیری، حمایت از مستضعفان، استکبارستیزی، جبهه مقاومت، بیداری اسلامی و صدور انقلاب اسلامی، شخصیت‌های انقلابی، پاسداری از ارزش‌ها و فرهنگ شهادت مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. جدول شماره ۴ نشان می‌دهد مولفه بیداری اسلامی و صدور انقلاب اسلامی با ۳۴ درصد، مولفه استکبارستیزی با ۱۰/۸ درصد، و توصیف انقلاب اسلامی با ۹/۲ درصد بیشترین توزیع فراوانی را از مجموع فراوانی مولفه‌های متغیر ارزش‌های انقلاب اسلامی دارا هستند. مقایسه فراوانی مولفه‌های ارزش‌های سیاسی انقلاب اسلامی با فراوانی مولفه‌های غیر سیاسی انقلاب اسلامی نشان می‌دهد، ارزش‌های غیر سیاسی انقلاب اسلامی بسیار کمتر از ارزش‌های سیاسی آن مورد توجه مولفان کتاب‌های درسی جامعه‌شناسی بوده است.

جدول ۴: توزیع فراوانی متغیر ارزش‌های سیاسی انقلاب اسلامی و مولفه‌های آن

ردیف	مؤلفه‌ها	فراوانی	درصد
۱	بیداری اسلامی	۶۷	۳۴
۲	استکبار ستیزی	۲۱	۱۰/۸
۳	انقلاب اسلامی	۱۸	۹/۲
۴	استقلال و امنیت	۷	۴
۵	آزادی	۱۶	۸/۲
۶	جبهه مقاومت	۱۲	۶/۲
۷	جمهوری اسلامی	۱۱	۵/۶
۸	حمایت از مستضعفان	۱۱	۵/۶
۹	پاسداری از ارزشها	۱۰	۵/۱
۱۰	فرهنگ شهادت	۷	۴
۱۱	ولایت پذیری	۱۱	۵/۶
۱۲	شخصیتهای انقلابی	۲	۱
	جمع	۱۹۵	۱۰۰

۴-۴- مشروعیت سیاسی

متغیر مشروعیت سیاسی، با ۷۶ فراوانی (۷/۳ درصد از مجموع)، عرصه مهم دیگری است که مورد توجه مؤلفان کتاب‌های جامعه‌شناسی در ارتباط با مقوله جامعه‌پذیری سیاسی می‌باشد. متغیر مذکور بامولفه‌هایی چون مشارکت سیاسی، لزوم وجود حکومت و اطاعت سیاسی، نقش مردم در مقبولیت و مشروعیت، تفاوت مقبولیت و مشروعیت، مبانی دینی مشروعیت، مبانی مشروعیت حکومت‌های غربی، مشروعیت حکومت‌های تاریخی در اسلام، مشروعیت و رابطه آن با آرمان‌های نظام اجتماعی و ویژگی‌های نخبگان سیاسی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. مطابق با جدول ۵، نتایج حاکی از این است که مبانی دینی مشروعیت (با ۲۹ درصد)، لزوم وجود حکومت و اطاعت سیاسی (با ۲۵ درصد) و مشروعیت حکومت‌های تاریخی در اسلام (با ۱۳ درصد) مهم‌ترین مفاهیم استخراج شده در رابطه با متغیر مشروعیت سیاسی می‌باشند. همچنین، تحلیل محتوای مضامین کتاب‌های درسی نشان می‌دهد، در این کتاب‌ها مفهوم مشروعیت از مفهوم مقبولیت متمایز شده و مشروعیت در معنای شرعی یا دینی بودن بکار رفته و بر این اساس مفهوم مشروعیت مختص نظام‌های سیاسی مبتنی بر دین در نظر گرفته شده و برای حکومت‌های غیردینی اصطلاح مقبولیت صحیح دانسته شده است.

جدول ۵: توزیع فراوانی متغیر مشروعیت سیاسی و مولفه‌های آن

ردیف	مؤلفه‌ها	فراوانی	درصد
۱	مبانی دینی مشروعیت	۲۲	۲۹
۲	لزوم حکومت و اطاعت	۱۹	۲۵
۳	مشروعیت در تاریخ اسلام	۱۰	۱۳
۴	مبانی مشروعیت در غرب	۷	۹
۵	مشارکت سیاسی	۶	۸
۶	مقبولیت و مشروعیت	۴	۵
۷	نقش مردم	۴	۵
۸	مشروعیت و آرمانهای نظام اجتماعی	۳	۴
۹	ویژگی‌های نخبگان سیاسی	۱	۲
جمع		۷۶	۱۰۰

۴-۵- تساهل و مدارا

متغیر تساهل و مدارا با ۵۰ فراوانی (۵ درصد از مجموع)، مقوله‌ای است که کمتر مورد توجه مؤلفان کتاب‌های جامعه‌شناسی در ارتباط با بحث جامعه‌پذیری سیاسی بوده است. متغیر مذکور با مولفه‌های صلح، همزیستی مسالمت آمیز، جهان وطن‌گرایی و نفی خشونت مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. جدول شماره ۶ نشان می‌دهد مولفه صلح با فراوانی ۵۰ درصد، مولفه همزیستی مسالمت آمیز با فراوانی ۳۰ درصد، مولفه جهان وطنی با فراوانی ۱۸ درصد و مولفه نفی خشونت با فراوانی ۲ درصد متضمن مفهوم تساهل و مدارا می‌باشند. تحلیل محتوای مضمونی کتاب‌ها نشان می‌دهد، نگرش مؤلفان نسبت به مقوله تساهل و مدارا متأثر از مبانی ایدئولوژیک اسلامی است و رویکرد غربی نسبت به این مفهوم مورد انتقاد قرار گرفته است. همچنین تلاش شده بر اساس تعالیم اسلامی بین دوگانه متضاد مدارا و سرکوب تعادل برقرار شود.

جدول ۶: توزیع فراوانی متغیر تساهل و مدارا و مولفه‌های آن

مولفه‌ها	صلح	همزیستی مسالمت آمیز	جهان وطنی	نفی خشونت	جمع
فراوانی	۲۵	۱۵	۹	۱	۵۰
درصد	۵۰	۳۰	۱۸	۲	۱۰۰

۴-۶- عدالت اجتماعی

مفهوم عدالت اجتماعی از جمله متغیرهای دیگر جامعه‌پذیری سیاسی است که در کتاب‌های درسی جامعه‌شناسی تنها ۳۶ بار (۳/۵ درصد از مجموع) مورد اشاره قرار گرفته است. متغیر مذکور با مولفه‌های عدالت اجتماعی، توزیع عادلانه ثروت، فقرزدایی، شکاف طبقاتی و مبارزه با آن، مساوات و برابری فرصت‌ها مورد ارزیابی و تحلیل قرار گرفته است. توزیع فراوانی مولفه‌های این متغیر به این صورت است: عدالت اجتماعی با فراوانی ۸۰/۵ درصد، شکاف طبقاتی و مبارزه با آن با فراوانی ۱۱/۱ درصد، و مولفه‌های فقرزدایی توزیع عادلانه ثروت و برابری فرصت‌ها هرکدام با فراوانی ۲/۸ درصد. مسأله عدالت اجتماعی در کتاب‌های جامعه‌شناسی به عنوان یک ارزش مهم اجتماعی یاد شده و به عنوان مثالی برای ارزش‌های برتر مطرح گردیده است. با این حال، مقایسه فراوانی متغیر عدالت اجتماعی به عنوان یکی از ارزش‌های اجتماعی انقلاب اسلامی با فراوانی ارزش‌های سیاسی انقلاب اسلامی نشان‌گر وجود تفاوت بسیار معنادار در میزان توجه به آنها در کتاب‌های درسی جامعه‌شناسی است؛ تفاوتی که ما را در اثبات فرضیه اصلی پژوهش یاری می‌کند.

جدول ۷: توزیع فراوانی متغیر عدالت اجتماعی و مولفه‌های آن

مولفه‌ها	عدالت اجتماعی	شکاف طبقاتی و مبارزه با آن	فقرزدایی	توزیع عادلانه ثروت	برابری فرصت‌ها	جمع
فراوانی	۲۹	۴	۱	۱	۱	۳۶
درصد	۸۰/۵	۱۱/۱	۲/۸	۲/۸	۲/۸	۱۰۰

۴-۷- حکمرانی خوب

حکمرانی خوب با ۳۵ فراوانی (۳/۴ درصد از مجموع)، مقوله‌ای است که کمتر مورد توجه مؤلفان کتاب‌های جامعه‌شناسی در ارتباط با بحث جامعه‌پذیری سیاسی بوده است. این متغیر با مولفه‌هایی مانند حق اظهار نظر و پاسخ‌گویی، اثربخشی دولت، کارآمدی و شایستگی، مسئولیت‌پذیری قانونی، کیفیت قوانین و مقررات، مقابله با فساد و حاکمیت قانون مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفت است. بر اساس جدول شماره ۸، توزیع فراوانی هرکدام از مولفه‌های این متغیر به این شرح است: مولفه مسئولیت‌پذیری قانونی ۲۸/۶ درصد، مولفه اثربخشی دولت ۲۰ درصد، مولفه مقابله با فساد ۱۴/۲ درصد، مولفه حاکمیت قانون ۱۴/۲ درصد، و مولفه حق اظهار نظر و پاسخ‌گویی ۱۱/۴ درصد. تحلیل نتایج نشان می‌دهد که مولفه‌های حکمرانی خوب، به رغم اهمیت فوق‌العاده آنها در امر توسعه و رفاه ملی، تا حد زیادی مورد بی‌توجهی مؤلفان کتاب‌ها قرار گرفته است. در نظر

گرفتن این واقعیت که مولفه‌های حکمرانی خوب عمدتاً معطوف به عملکرد یا به عبارت بهتر بهره‌وری نظام‌های سیاسی است و بنابراین صبغه‌ای غیر ایدئولوژیک دارند، ما را در اثبات این فرضیه کمک می‌کند که کتاب‌های مذکور با رویکرد القای ارزش‌های سیاسی و ایدئولوژیک تدوین شده‌اند.

جدول ۸: توزیع فراوانی متغیر حکمرانی خوب و مولفه‌های آن

مؤلفه‌ها	اثربخشی دولت	لزوم مقابله با فساد	حق اظهار نظر و پاسخگویی	مسئولیت‌پذیری قانونی	حاکمیت قانون	کیفیت قوانین و مقررات	کارآمدی	جمع
فراوانی	۷	۵	۴	۱۰	۵	۳	۱	۳۵
درصد	۲۰	۱۴/۲	۱۱/۴	۲۸/۶	۱۴/۲	۸/۶	۳	۱۰۰

۴-۸- اقتصاد

اقتصاد مقوله‌ای است که در کتاب‌های درسی جامعه‌شناسی تنها ۳۱ بار (۳ درصد از مجموع) مورد اشاره قرار گرفته است. این متغیر با مولفه‌های توسعه اقتصادی، نوع نگرش به اقتصاد آزاد و دولتی و همچنین اقتصاد مقاومتی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. توزیع فراوانی هرکدام از این مولفه‌ها بر اساس داده‌های جدول ۹ نشان می‌دهد اقتصاد مقاومتی با فراوانی ۴۸/۴ درصد و نگرش منفی به اقتصاد آزاد با فراوانی ۳۲ درصد بیشترین فراوانی را در رابطه با متغیر اقتصاد دارا هستند؛ با توجه به فراوانی بالای نگرش منفی به اقتصاد آزاد، فراوانی مربوط به مولفه‌های نگرش مثبت و منفی به اقتصاد دولتی چندان معنادار به نظر نمی‌رسد. لذا می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که رویکرد مولفان کتاب‌ها در نگاه به مقوله اقتصاد، از یک سو نقد اقتصاد سرمایه داری مبتنی بر مکانیزم بازار آزاد، و از سوی دیگر معرفی اقتصاد مقاومتی به عنوان الگوی جایگزین می‌باشد؛ الگویی که متأثر از آموزه‌های ایدئولوژیک انقلاب اسلامی بویژه در منازعه با غرب است. این یافته، به اثبات فرضیه پژوهش کمک می‌کند.

جدول ۹: توزیع فراوانی متغیر اقتصاد و مولفه‌های آن

مؤلفه‌ها	مقاومتی	آزاد منفی	دولتی منفی	دولتی مثبت	توسعه	جمع
فراوانی	۱۵	۱۰	۲	۱	۳	۳۱
درصد	۴۸/۴	۳۲	۶/۵	۳/۲	۹/۷	۱۰۰

۴-۹- جمهوری

یکی دیگر از مفاهیم استخراج شده از متون مورد بررسی، متغیر جمهوری است که کمترین میزان فراوانی (تنها ۷ فراوانی یا ۰/۷ درصد از مجموع) را به خود اختصاص داده است. این بدان معناست که مولفان کتاب‌های درسی جامعه‌شناسی خارج از رویکرد دموکراتیک به مقوله جامعه-پذیری سیاسی نگاه کرده‌اند. برای تحلیل و ارزیابی متغیر مذکور مفاهیم و مضامین مرتبط با مولفه‌های زیر در کتاب‌های درسی مورد جستجو قرار گرفت: جمهوری اسلامی، دموکراسی، همگانی بودن مشارکت، حکومت اکثریت، احترام به اقلیت، برابری مردم در مقابل قانون، توزیع خردمندانه قدرت، محدودیت قدرت، نفی حاکمیت فردی و گروهی، مردم سالاری دینی، جمهوری شکل و اسلامیت محتوای نظام. داده‌های به دست آمده بسیار اندک بودند که بر اساس جدول شماره ۱۰ تنها در ۴ مولفه توزیع شده‌اند: توزیع خردمندانه قدرت و نفی حاکمیت فردی و گروهی، ۲ مورد؛ جمهوری شکل و اسلامیت محتوای نظام، دو مورد؛ دموکراسی، دو مورد؛ و همگانی بودن مشارکت، یک مورد. هر چند در کتاب‌های مورد بررسی در خصوص تلفیق دوگانه جمهوری و اسلامیت و یا اولویت یکی از آنها بر دیگری بحث آشکاری ندارد، ولی از کلیت بحث چنین برمی‌آید که اسلامیت بر همه ارزش‌های سیاسی برتری دارد و حکومت دینی و القای ارزشهای آن مورد تأکید مولفان کتاب‌ها می‌باشد.

جدول ۱۰: توزیع فراوانی متغیر جمهوری و مولفه‌های آن

مولفه‌ها	توزیع قدرت و نفی حاکمیت فردی و گروهی	جمهوریت شکل و اسلامیت محتوای آن	دموکراسی	همگانی بودن مشارکت	جمع
فراوانی	۲	۲	۲	۱	۷
درصد	۲۸/۵	۲۸/۵	۲۸/۵	۱۴/۵	۱۰۰

۵- بحث و نتیجه‌گیری

تحلیل محتوای کتاب‌های جامعه‌شناسی دوره متوسطه نشان می‌دهد که این کتاب‌ها توجه ویژه‌ای به مقوله جامعه‌پذیری سیاسی دارند و در جای جای مطالب آنها می‌توان مضامینی در رابطه با این امر استخراج کرد. یافته‌های پژوهش گویای جهت‌گیری کتاب‌های جامعه‌شناسی به القای ارزش‌های سیاسی و ایدئولوژیک در چارچوب خط‌مشی بومی سازی علوم انسانی است و همچنین روش‌شناسی جریان اصلی مطالعات جامعه‌شناسی و رعایت اصول نگارش علمی از جمله اصل بی‌طرفی علمی در کتاب‌های مورد بحث چندان مورد توجه قرار نگرفته است. نگاهی دقیق به نتایج بدست آمده، با توجه به مولفه‌های وابسته به هرکدام از مفاهیم یا متغیرهای اصلی که

مورد پژوهش قرار گرفته‌اند، نشان می‌دهد که این کتاب‌ها با رویکرد تجویزی ایدئولوژیک و محافظه‌کارانه تهیه و تدوین شده‌اند. مفاهیم و متغیرهای هویت سیاسی، پداگوژی انتقادی، ارزش‌های سیاسی انقلاب اسلامی و مشروعیت سیاسی، با توجه به ماهیت معنایی مولفه‌های وابسته به آنها، متضمن رویکرد ایدئولوژیک و محافظه‌کارانه‌اند که مجموعاً ۸۵ درصد از مضامین جامعه‌پذیری سیاسی در کتاب‌های بررسی شده را تشکیل می‌دهند. در این میان، مولفه‌های متغیر هویت سیاسی عمدتاً متضمن بعد اسلامیت در مقابل ایرانیت، مولفه‌های متغیر پداگوژی انتقادی و همچنین متغیر ارزش‌های سیاسی انقلاب اسلامی عمدتاً دربرگیرنده مضامین سلطه‌ستیزی، مقاومت و مبارزه با غرب در برابر اندیشه‌های، آزادی و جمهوریت، و مولفه‌های متغیر مشروعیت سیاسی نیز متضمن ابتدای مشروعیت نظام بر دینی بودن در مقابل مردمی بودن می‌باشند. این در حالی است که متغیرهای عدالت اجتماعی، حکمرانی خوب، اقتصاد و توسعه و جمهوریت، که متضمن مولفه‌های غیر ایدئولوژیک هستند و جملگی از ویژگی‌های بنیادین نظام‌های سیاسی توسعه یافته در دنیای امروز بشمار می‌روند، تنها ۱۵ درصد از مباحث کتاب‌های درسی را تشکیل می‌دهند. وانگهی، مولفه‌های مرتبط با اصل جمهوریت با فراوانی کمتر از یک درصد (یعنی تنها ۰/۷ درصد) کمترین فراوانی را به خود اختصاص داده است که نشان می‌دهد مولفان کتاب‌های درسی خارج از رویکرد دموکراتیک به مقوله جامعه‌پذیری سیاسی نگاه کرده‌اند. بنابراین، یافته‌های پژوهش با ۸۵ درصد قطعیت مبین معناداری و تأیید کننده این فرضیه است که کتاب‌های درسی جامعه‌شناسی دوره متوسطه با رویکرد ایدئولوژیک و محافظه‌کارانه تألیف شده‌اند و در این چارچوب هویت دینی، ارزش‌های سیاسی و همچنین جهان‌سوم‌گرایانه انقلاب اسلامی شامل سلطه‌ستیزی و لزوم حمایت از مستضعفان جهان مورد توجه ویژه قرار گرفته و از سوی دیگر ارزش‌های اجتماعی- اقتصادی انقلاب اسلامی، از جمله عدالت اجتماعی و توسعه اقتصادی، و همچنین اصول حکمرانی خوب، جمهوریت و پلورالیسم مورد بی‌توجهی قرار گرفته است.

این یافته پژوهش، که حاصل تحلیل محتوای مطالب کتاب‌های مورد بررسی است، با نگاهی کوتاه به فهرست منابع مورد استفاده برای تألیف آنها به روشنی تقویت می‌گردد. گفتنی است، افزون بر نیمی از این منابع شامل کتاب‌ها و مقالاتی است که به لحاظ موضوعی دربرگیرنده انتقاد از فرهنگ و تمدن سلطه‌جویانه، تکریم هویت دینی و انقلابی، بیداری اسلامی و علوم انسانی اسلامی است. همچنین تأکید ویژه بر مواد خاص و محدود قانون اساسی در کتاب‌های درسی جامعه‌شناسی معیار دیگری است که مؤید فرضیه پژوهش است. در این کتاب‌ها تنها هفت اصل از اصول قانون اساسی (شامل اصول: ۱، ۲، ۳، ۴۴، ۵۰، ۱۵۲ و ۱۵۴) مورد اشاره قرار گرفته که

در میان آنها هیچکدام از اصول فصل سوم قانون اساسی که دربرگیرنده حقوق و آزادی‌های ملت است وجود ندارد.

با رجوع به مبانی نظری پژوهش درمی‌یابیم جهت‌گیری کتاب‌های درسی در ارتباط با مقوله جامعه‌پذیری با رویکرد محافظه‌کارانه سازگاری بیشتری دارد؛ رویکردی در چارچوب مساعی در جهت حفظ وضع سیاسی حاکم، اعمال کنترل اجتماعی و سیاسی بر نسل نو از طریق انتقال فرهنگی، هدایت فکری و رفتاری افراد در قالب‌های سیاسی مورد نظر برنامه‌ریزان، بازتولید فرهنگ سیاسی و اجتماعی حاکم، حفظ و تعلیم نابرابری‌های اجتماعی، تلقی نقش معلمان و فراگیران بصورت انفعالی در نظام آموزشی و تربیت سیاسی، سعی در جهت تربیت افراد مرید، هوادار و وفادار به ایدئولوژی و فرهنگ سیاسی حاکم و بهره‌جستن از روش‌های تحمیلی و تلقینی در تربیت سیاسی می‌باشد. همچنین در راستای همین نظریه محافظه‌کارانه، مایه‌هایی از رویکرد انقلابی مبتنی براندیشه‌های چپی درمواجه با نظام سلطه و سرمایه‌داری غلبه دارد. با داشتن رویکرد انتقادی و با تأکید بر ضرورت بازبینی و اصلاح این کتاب‌های درسی، لازم است همه ابعاد گفتمان انقلاب اسلامی در کتب مذکور مورد توجه قرار گیرد و بین آنها تعادل ارزشی برقرار شود؛ از جمله از طریق توجه به مفهوم جمهوریت و اندیشه‌های دموکراتیک و معرفی دموکراسی به مثابه سبک زندگی، توجه بیشتر به مقوله عدالت اجتماعی بویژه از زاویه چگونگی تحقق آن در درون نظام سیاسی، و بالاخره توجه به مولفه‌های حکمرانی خوب و توسعه اقتصادی به عنوان ارکان بهزیستی، رفاه و درستکاری ملی.

در ارتباط با مقایسه این نتایج و یافته‌ها با نتایج و یافته‌های پژوهش‌های پیشین باید گفت نظر به اینکه کتاب‌های جامعه‌شناسی ۱ و ۲ با رویکرد بومی‌سازی علوم انسانی به تازگی وارد نظام آموزشی کشور شده و هنوز تحقیقی راجع به آنها انجام نشده، لذا از این زاویه مقایسه نتایج و یافته‌های تحقیق با یافته‌های پژوهش‌های پیشین خارج از موضوعیت قرار می‌گیرد. اما از زاویه دیگر، بویژه با رویکرد مقایسه محتوای کتاب‌های جامعه‌شناسی ۱ و ۲ با محتوای کتاب‌های پیشین جامعه‌شناسی و یا سایر کتاب‌های علوم انسانی، چنین مقایسه‌ای ضرورت دارد. در این چارچوب، با توجه به مروری که در پژوهش‌های پیشین انجام شد، نتایج زیر قابل ذکر است:

الف) بین نتایج و یافته‌های پژوهش جمالی تازه کند و همکاران (۱۳۹۲)، مبنی بر عدم توجه به آموزش مهارت شهروندی در محتوای کتاب‌های پیشین علوم اجتماعی دوره متوسطه، با نتایج و یافته‌های پژوهش حاضر همسویی وجود دارد؛ زیرا بر اساس نتایج پژوهش حاضر، در محتوای کتاب‌های جدید جامعه‌شناسی آموزش مهارت شهروندی اصولاً یک مفهوم غایب در منظومه مولفه‌های جامعه‌پذیری سیاسی است. ب) بین نتایج و یافته‌های پژوهش هاشمی (۱۳۸۸) و

پژوهش حاضر نیز تا حدود زیادی همسویی وجود دارد. نتایج پژوهش ایشان گویای این است که آموزش صلح در کتاب‌های علوم انسانی (شامل کتاب‌های پیشین تعلیمات اجتماعی) دوره دبیرستان همراه با آموزش مبارزه با نظام سلطه و استکبار و مقابله با فتنه و دشمنان است؛ مفاهیمی که بر اساس نتایج پژوهش حاضر به طور چشمگیر (دومین میزان فراوانی) در کتاب‌های جدید جامعه‌شناسی تکرار شده است. ج) بین نتایج و یافته‌های پژوهش فتح‌آبادی (۱۳۹۰) و پژوهش حاضر نیز همسویی وجود دارد. پژوهش ایشان گویای این امر است که مقولات جامعه‌پذیری سیاسی در کتاب‌های پیشین علوم اجتماعی با منطوق قانون اساسی مطابقت چندانی ندارد. نتایج پژوهش ما نیز نشان می‌دهد که در کتاب‌های جدید جامعه‌شناسی تأکید ترجیحی بر اصول خاص قانون اساسی و عدم توجه به اصول فصل سوم قانون اساسی در ارتباط با حقوق و آزادی‌های ملت وجود دارد. د) بین نتایج و یافته‌های پژوهش پروانه و همکاران (۱۳۹۵) و پژوهش حاضر همسویی وجود ندارد. یافته‌های پژوهش ایشان نشان می‌دهد در کتاب‌های تاریخ دوره متوسطه رشته‌های علوم پایه مفهوم ملت بیشترین میزان فراوانی را دارد، این در حالی است که بر اساس نتایج و یافته‌های پژوهش ما مولفه مردم و حقوق و آزادی‌های آنها کمترین فراوانی را در محتوای کتاب‌های جدید جامعه‌شناسی دارد. ه) نتایج سایر پژوهش‌های ذکر شده در پیشینه پژوهش، شامل پژوهش‌های حاجیانی و همکاران (۱۳۹۳) مرشدی زاده و جهاندار (۱۳۹۴) و ذهبیون و همکاران (۱۳۹۵) به علت داشتن چارچوب تحلیلی متفاوت، با نتایج و یافته‌های پژوهش حاضر مقایسه ناپذیر است.

منابع

- بحرانی، محمود (۱۳۹۶). مروری بر پژوهش‌های تحلیل محتوای کتاب‌های درسی ایران. *مجله رویکردهای پژوهشی در علوم اجتماعی*، ۳(۱۲)، ۲۳۱-۲۰۹.
- پروانه، فرهاد؛ ابراهیم‌زاده، عیسی و نظری، داریوش (۱۳۹۵). بررسی میزان توجه به مولفه‌های هویت انقلابی در کتاب‌های درسی تاریخ دوره متوسطه رشته‌های علوم پایه. *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*، ۱۳(۴۴)، ۴۲-۲۹.
- جمالی تازه‌کند، محمد؛ طالب زاده، محسن و ابوالقاسمی، محمود (۱۳۹۲). تحلیل جایگاه مؤلفه‌های تربیت شهروندی در محتوای برنامه درسی علوم اجتماعی دوره متوسطه. *فصلنامه پژوهش در برنامه‌ریزی درسی*، ۱۰(۳۷)، ۱۹-۱.
- حاجیانی، ابراهیم؛ صالحی امیری، رضا و محمد ظاهری، حمید (۱۳۹۳). تحلیل مقایسه‌ای کتاب درسی مطالعات اجتماعی پایه هفتم دوره متوسطه اول (۱۳۹۳) و کتاب‌های درسی

- تعلیمات اجتماعی پایه اول راهنمایی تحصیلی سابق (۱۳۹۰) از منظر هویت ملی. *فصلنامه پژوهش‌های کیفی در برنامه درسی*، ۱(۲)، ۵۴-۳۹.
- ذکایی، محمد سعید (۱۳۸۱). نظریه و روش در تحقیقات کیفی. *فصلنامه علوم اجتماعی*، ۹(۱۷)، ۶۹-۴۱.
 - ذهبیون، شهلا؛ یوسفی، علیرضا و یارمحمدیان، محمد حسین (۱۳۹۵). تحلیل محتوای کتاب‌های درسی جامعه‌شناسی دوره دبیرستان به لحاظ توجه به مفاهیم تربیت شهروندی. *فصلنامه پژوهش در برنامه‌ریزی درسی*، ۱۳(۲۳)، ۱۴۷-۱۳۶.
 - رنی، آستین (۱۳۷۴). *حکومت؛ آشنایی با علم سیاست*. ترجمه لیلی سازگار. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
 - شارع پور، محمود (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی آموزش و پرورش* (چاپ سوم). تهران: سمت.
 - خواجه سروی، غلامرضا (۱۳۹۴). عوامل مؤثر بر جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان دانشگاه‌های دولتی ایران. *فصلنامه جستارهای سیاسی معاصر*، ۶(۴)، ۵۵-۳۱.
 - فتح آبادی، ابوالفضل (۱۳۹۰). *بررسی جامعه‌پذیری سیاسی در کتب علوم اجتماعی مقطع متوسطه/ایران* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس).
 - فتحی واجارگاه، کوروش (۱۳۸۶). *برنامه درسی به سوی هویت‌های جدید*. تهران: نشر آبیژ.
 - فیلیک، اووه (۱۳۸۸). *درآمدی بر تحقیق کیفی*. ترجمه هادی جلیلی. تهران: نشرنی.
 - مرشدی زاد، علی و جهاندار لاشکی، زینب (۱۳۹۴). جامعه‌پذیری سیاسی در کتابهای آموزشی دانش آموزان مقطع دبیرستان بعد از انقلاب اسلامی. *مجله مطالعات انقلاب اسلامی*، ۱۲(۴۳)، ۶۲-۴۷.
 - نیک نفس، سعید و علی آبادی، خدیجه (۱۳۹۲). نقش تحلیل محتوا در فرآیند آموزش و طراحی کتاب‌های درسی. *مجله جهانی رسانه*، ۸(۲)، ۱۵۰-۱۲۴.
 - هاشمی، سهیلا (۱۳۸۸). تحلیل محتوای کتاب‌های درسی دوره متوسطه و پیش دانشگاهی رشته علوم انسانی بر اساس مولفه آموزش صلح. *فصلنامه مطالعات برنامه درسی*، ۴(۱۵)، ۱۰۴-۸۳.
- Burbules, N. C., & Berk, R. (1999). Critical thinking and critical pedagogy: Relation, differences, and limits. In T. S. Popkewitz, & L. Fendler (Eds.), *Critical theories in education* (pp. 45-66). New York: Routledge.

- Essen, A. J. A. (2010). Implication for Secondary Education in NigeriaL. Paper presented at the 40th *All Nigeria Conference of Principals of Secondary Schools (ANCOPSS)*.Uyo, Akwa Ibom state, Nigeria.
- Merriam C. E. (1936). *The role of politics in social change*. New York: New York University Press.
- Paglayan, A. S. (2018). *Democracy and educational expansion: evidence from 200 years*. California, Stanford University: School of Economics and Political Science. Retrieved from <http://www.lse.ac.uk/lacc/publications/130618.pdf>.